

## Contents

خارج اصول. بررسی علل پیدایش تعارض روایات. جلسات ۱۲-۱۱/۹/۹/۱۴۰۱ .....	۱
سؤال: .....	۱
توضیح سؤال .....	۱
پاسخ: .....	۲

باسمه تعالی

## خارج اصول. بررسی علل پیدایش تعارض روایات. جلسات ۱۲-۱۱/۹/۹/۱۴۰۱ سؤال:

گاهی می پرسیم تعارض چیست؟ این مسئله در جلسات قبل روشن شد.

گاهی می پرسیم چرا تعارض در بین روایات شیعه دیده می شود؟

### توضیح سؤال

پاسخ این مسئله هم فائده کلامی و هم فائده اصولی و هم فائده فقهی دارد. این سؤال از دیر باز مطرح بوده است و مخالفین نسبت به شیعه اعتراض می کردند که مگر نه چنین است که شما به علم وسیع امام معتقدید مگر نه این است که سخن معصوم را عاری از خطا می دانید؟ یا سخن معصوم فرقان و فصل الخطاب می دانید؟

اگر امام عالم به علم وسیع عالم است و اگر امام از حقائق وحی و قران و احکام شریعت اطلاع دقیق و کامل دارد چرا در بین روایات شما تعارض و تنافی و تهافت و تضاد و تناقض دیده می شود؟

چرا حججی را که شما به آن معتقد هستید تخالف دارند؟

این تخالف و این تعارض یا باید نتیجه عدم علم باشد یا نتیجه عدم عصمت. شما شیعیان که به علم و عصمت معتقد هستید چرا در بین روایات شما تعارض دیده می شود؟

اساساً در مذهب شما نباید روایات به گونه ای باشد که نیاز به بحث تعارض الادله و تخالف الاحجج یا تعادل و تراجیح پیش بیاید.

با پاسخ پرسش فوق اولاً یک شبهه کلامی و اعتقادی را حل کردیم پاسخ به این پرسش دفاعی است از دو عنصر اساسی در فکر شیعی و آن عنصر علم و عنصر عدالت امام است. لذا باید به این پرسش پاسخ مناسب داده شود.

ثانیاً اگر به این پرسش پاسخ مناسب دهیم می توانیم در علم اصول راه کارهای مناسب تری را برای حل تعارض پیدا کنیم. بدون بحث از چرایی تعارض، بحث از چگونگی حل تعارض کامل نخواهد شد. ابتدا باید بفهمیم که چرا تعارض بوجود می آید تا بهتر بتوانیم چگونگی رفع تعارض و حل اختلاف بین روایات کنیم. لذا بحث از چرایی تعارض در خود علم اصول هم و در همین تعادل و تراجیح هم موثر خواهد بود.

ثالثاً آن چه را در علم اصول در پاسخ به پرسش فوق می دهیم در تطبیقات و اجتهادات فقهیه که مبتنی بر روایات است تأثیر مستقیمی دارد.

طبیعتاً این که چرا تعارض هست ابتدا در علم اصول موثر خواهد بود و قهراً پس از تأثیر در علم اصول در فقه هم موثر خواهد شد. لذا آن چه در این جلسه در پاسخ به این پرسش عرض می کنم هم ثمره اعتقادی و کلامی دارد و هم ثمره اصولی دارد و هم ثمره فقهی. بنا بر این دقت در بحث امروز بسیار ضروری است. ولی متأسفانه چندان به این معضل در علم اصول پرداخته نشده است.

این شبهه از قبل بود و اساساً تألیف دو کتاب اساسی از کتب اربعه ما یعنی تهذیب و استبصار به همین انگیزه است که ثابت کند تعارض بین روایات شیعه قابل حل و توجیه است و اعتراضی به شیعه وارد نیست.

به این معضل از دیر باز پرداخته اند اما مستقلاً در علم اصول جایگاهی برای این بحث مطرح نشده است. که مفصل وارد شوند.

در مورد عنصری مثل تقیه مباحثی هست اما پاسخ همه جانبه نسبت به چرایی تعارض نیست. اولین موردی که مشاهده می کنیم این بحث دست بندی شده مطرح گشت از طرف مرحوم سید محمد باقر صدر است. مراجعه به تقریبات ایشان بحوث فی علم الاصول ج ۷. از ص ۲۸ به بعد شود. بعد از ایشان تنها کسی که این مبحث عمیق را بسیار گسترده و دقیق و عمیق و دسته بندی شده مطرح کرده است ایت الله سیستانی است. از ص ۱۵۳ بحث تعادل و تراجیح تا ص ۴۱۸ این مبحث عمیق را بیان کرده است.

اگر دنبال تحقیق بیشتر هستید به تقریرات بحث ما که تحت عنوان علل اختلاف حدیث است مراجعه شود.

### پاسخ:

بین چهار مورد باید تفکیک کرد تا پاسخ پرسش دقیقاً داده شود:

۱- چنان که در جلسات قبل گفته شد ما چه بسا در مواردی با توهم تعارض روبرو می شویم. تعارض واقعی و حقیقی نیست. ما هستیم که به صورت دقیق روایات را بررسی نکردیم و خیال کردیم که بین روایات تعارض هست در حالیکه اگر ما به سبک لسان عرب احاطه داشته باشیم که عرب مجاز و کنایه استعاره و مبالغه و حذف و تقدیر در کلامش فراوان است اگر ما به شیوه خاص ائمه هدی ع در تبیین حقائق دینی آشنا باشیم اگر سخنان معصومین را سبک شناسی کنیم، اگر سرعت و تعجیل در فهم روایات نداشته باشیم اگر دقت کافی را بکار ببریم متوجه می شویم که در مواردی پندار تعارض هست نه حقیقت تعارض. و با این مورد اول بخشی از سؤال پاسخ داده می شود و می گوئیم خیال نکنید همه آن چه شما آن را تعارض می دانید واقعاً هم تعارض باشد. با دقت و تأمل روشن می شود تعداد زیادی از این نمونه هایی که شما آن را تعارض می نامید تعارض واقعی نیست. بلکه موهوم و خیالی است.

۲- در موارد متعددی ریشه این اختلافها به خود ائمه ع بر می گردد. در کلمات ائمه ع ناسخ داریم و منسوخ. چنانکه در قرآن داریم و با آمدن ناسخ منسوخ فعلیتش را از دست می دهد و دیگر با دو حکم فعلی و متعارض روبرو نیستیم وقتی ناسخ آمد مدت منسوخ به پایان رسیده است نمی توان ناسخ و منسوخ را در عرض هم بسنجیم و بگوئیم بین این دو تعارض هست چنانکه در ناسخ و منسوخ قرآن مجید هم قضیه از همین قرار است و نیز در روایات معصومین مثل قرآن مجید عام داریم خاص. مطلق داریم و مقید. چنان که بین عام و خاص قرآنی و مطلق و مقید قرآنی تعارض، تعارض بدوی است و اختلاف مستقر نیست در عام و خاص و مطلق و مقید روایی هم قضیه از همین قرار است و نیز بین روایات ما محکم داریم و متشابه چنان که در قرآن مجید هم محکم داریم و متشابه با محکم باید از متشابه رفع ابهام و اجمال کرد نه این که متشابه را در عرض محکم قرار دهیم و اختلافشان را مستقر بدانیم ائمه ع خود به حکمت هایی که داشتند حکمی را محکم و مطلبی را به صورت متشابه بیان کردند اختلاف بین ناسخ و منسوخ اختلاف بین عام و خاص و بین مطلق و مقید و بین محکم و متشابه را خود ائمه ایجاد کردند و این فقیه است که باید متوجه باشد. و نیز زمان ائمه ع زمانی بوده که ائمه از هر سو تحت فشار بودند هم از سوی سلطه حاکم و هم از سوی فقهای اهل سنت و هم از سوی مردم سنی که با ائمه روبرو می شدند هم از سوی شیعیان سست عنصر و هم از سوی اهل غلو و هم از سوی اهل تقصیر. و لذا در موارد بسیاری ائمه نمی توانستند همه حقائق را صاف بیان کنند زمان زمان تقیه بوده است. زمانی بوده که ائمه حتی بر خی از احکام را نمی توانستند به شیعیان خود بگویند حتی شیعیان تحمل نداشتند. حتی برخی از بزرگان روات گنجایش برخی از حرفها و تاب تحمل آنها را نداشتند لذا امام مجبور بوده در مواردی تسر و کتمان و توریه و تقیه نماید. و این هم موجب می شود ما بین روایات اختلاف ببینیم. امام هم خود منشأ اختلافی است ولی در اثر شرائط سخت آن زمان و برای حفظ اساس مکتب و مذهب اهل بیت ع مجبور بوده تقیه و توریه نماید. امام در برخی موارد عمداً بین بزرگان روات شیعه اختلاف ایجاد می کرد تا در اثر عدم وحدت و اختلاف شیعه در امن و امان باشد و کمتر به او توجه شود و نیز از مصادیق اختلاف هایی که خود ائمه انداختند اختلاف بین موردی است که حکم واقعی را بیان کرده اند با موردی که حکم ولایی و حکومتی بیان کردند. ما اگر تشخیص ندهیم احکام ولاییه از احکام واقعی در فهم اخبار دچار اشکال می شویم.

۳- بسیاری از این اختلافها از طرف راویان حدیث صورت گرفت. عده ای جعل و وضاع و کذاب هم متن جعل می کردند و هم سند جعل می کردند. در اثر وجود این روایات مجعول و مدسوس ما بین روایات اختلاف می بینیم. و برخی از راویان حفظ و وقت کافی نداشتند نقل به معنا کردند و در اثر این نقل به معنا مقصد و مقصود مراد امام به خوبی تبیین نشده بین روایات تعارض و

تخالف می بینیم. و نیز برخی از راویان روایات را به هنگام نقل تکه تکه می کردند و خیال می کردند بین این قطعات ارتباطی نیست در حالیکه بین این قطعات ارتباط بوده و این تقطیع بی جا بوده که منشأ تعارض شده است .

۴- اختلافهایی که در اثر از بین رفتن و نبودن بسیاری از روایات در دست ماست. حوادث طبیعی مشکلات سیاسی و مرور زمان و نبودن امکانات زیاد برای حفظ احادیث باعث شده بسیاری از احادیث از دست ما برود که اگر آن روایت می بود الان تعارضی نبود فقدان روایات کثیره باعث شده است ما بین روایات موجوده تعارض مشاهده کنیم.

خلاصه این که، پاسخ صحیح به تفکیک بین این موارد است.

حسین مقدس.

جلسات ۱۲/۱۱

۱۴۰۱/۹/۹